

طراحی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا بر اساس بیع مراحه*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۴/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۶/۲۱

۱۱۷

سیدعباس موسویان**

چکیده

کارت اعتباری افزون بر تسریع در دریافت‌ها و پرداخت‌ها از راه مجاری الکترونیکی، وارد مقوله اعتباری نیز می‌شود. وقتی مشتری تقاضای دریافت کارت اعتباری می‌کند بانک سوابق وی را بررسی کرده، کارت اعتباری با سقف معینی را برای وی صادر می‌کند. به این ترتیب مشتری می‌تواند با استفاده از کارت اعتباری تا سقف تعیین شده خرید کرده، پس از دریافت صورتحساب، آن را به صورت یکجا یا اقساط ماهانه با بانک تسویه کند. از آنجا که خاستگاه اصلی کارت‌های اعتباری کشورهای غربی است، روابط حقوقی حاکم بر معامله‌های کارت‌های اعتباری در مواردی به ربا و خلاف شرع منتهی می‌شود، بر این اساس، ضرورت دارد راهکاری پیدا شود که در عین مشروعیت قابلیت سامان‌دادن معامله‌های

*. این مقاله برگرفته از راهکارهایی است که جهت سامان‌دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری در جلسات کمیته مشورتی مالیه و بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطرح و مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند، نویسنده با بهره‌گیری از آن مباحث و با مشورت‌هایی که با بخش بانکداری الکترونیک بانک‌های کشاورزی، پارسین و مؤسسه مالی اعتباری مهر داشته به تهیه این مقاله اقدام کرده است. بدین وسیله از کمیته مشورتی مالیه و بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی بانکی و دیگر عزیزانی که در شکل‌گیری مقاله مساعدت کرده‌اند تقدیر می‌شود.

Email: mosavian@yahoo.com

** دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کارت‌های اعتباری را داشته باشد.

اخیراً بانک مرکزی راهکاری براساس قرارداد قرض الحسنه برای این منظور ابلاغ کرده است، مطالعه دقیق نشان می‌دهد که آن راهکار گرچه برای شروع می‌تواند مناسب باشد اما برای رشد و توسعه مناسب نیست و در عمل به مانع بزرگی برای توسعه بانکداری الکترونیک تبدیل می‌شود. در این مقاله با نقد و بررسی راهکار بانک مرکزی، راهکار دیگری جهت سامان دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری براساس قرارداد بیع مرابحه (فروش اقساطی) و ایده فروشگاه الکترونیکی اعتباری پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: کارت اعتباری، ربا، قرض الحسنه، بیع مرابحه، بیع وکالتی، جریمه تأخیر.

طبقه‌بندی JEL: G21, E49

مقدمه

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۷ به صورت رسمی دستورالعمل صدور و راهبری «کارت خرید اعتباری» را به نظام بانکی ابلاغ کرد، مدیر اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی، با تبیین روش کار کارت‌های خرید اعتباری گفت:

«مشتری کارت را در دستگاه می‌گذارد و تا سقف اعتباری که بانک به مشتری داده مبلغ را در دستگاه کارت‌خوان وارد می‌کند و با این فرایند بانک صادرکننده کارت، پول را حداکثر ظرف ۴۸ ساعت به حساب فروشنده واریز می‌کند... این پول از حساب مشتری کسر نمی‌شود، بلکه از اعتبار مشتری کسر می‌شود. سپس بانک در انتهای ماه صورت حساب برای دارنده کارت ارسال می‌کند. دارنده کارت تا ۱۰ روز از تاریخ صدور صورت حساب فرصت دارد وجه صورت حساب را به بانک بپردازد که در آن صورت هیچ‌گونه سود یا وجه اضافی از وی دریافت نمی‌شود، اما اگر پرداخت صورت حساب بیش از ۱۰ روز طول بکشد، به آن سود تعلق خواهد گرفت» (شریفی، ۱۳۸۷: ۲۳).

مدیر اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی تصریح کرد که بانک‌ها موظفند در سال ۱۳۸۷ دست‌کم تعداد معینی از این نوع کارت برای مشتریان صادر کنند (همان). مسؤول کارگروه خدمات نوین بانکداری الکترونیک نیز در این باره می‌گوید:

«سیستم بانکی براساس تکالیفی که هیئت دولت بر عهده بانک‌ها قرار داده است، باید در سال جاری به تعداد سه درصد جمعیت کشور کارت اعتباری صادر کند و این روند در سال‌های ۸۸ و ۸۹ نیز باید تداوم یابد» (لکزایی، ۱۳۸۷: ۲۵).

وی با اشاره به تعیین عقد قرض الحسنه به صورت قرارداد اجرایی در کارت اعتباری گفت: «در صورت اجرای ضوابط این عقد باید سقف یک میلیون تومان مدنظر قرار گیرد. وی عدم صدور این کارت‌ها تا این تاریخ را به دلیل مشخص نبودن ضوابط، رویه‌ها، نرخ سود، نوع عقد و برخی سوالات دیگر دانست» (همان).

ابلاغ دستورالعمل و تکلیف دولت بر نظام بانکی مبنی بر صدور کارت اعتباری دست‌کم به تعداد سه درصد جمعیت کشور در سال جاری و استمرار آن در سال‌های آتی، همگی حکایت از آن دارد که دولت و نظام بانکی بحث از اثرها و نتیجه‌های انتشار کارت‌های اعتباری را پشت سر گذاشته به مرحله اجرا و گسترش آن فکر می‌کنند، این تصمیم گرچه تصمیم صحیحی است اما از دو جهت محل تامل است، اولاً؛ مانند موردهای دیگر خیلی دیر شده به طوری که در استفاده از کارت‌های اعتباری نه تنها با کشورهای پیشرفته حتی با برخی از همسایگان ایران نیز فاصله معناداری داریم و باید این فاصله به سرعت پوشانده شود. ثانیاً؛ مطالعه دقیق دستورالعمل ابلاغی نشان می‌دهد که راهکار منتخب بانک مرکزی برای سامان‌دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری گرچه برای شروع می‌تواند مناسب باشد اما برای رشد و توسعه آن مناسب نیست و در عمل به مانع بزرگی برای توسعه کارت‌های اعتباری و بانکداری الکترونیک تبدیل می‌شود. در این مقاله با نقد و بررسی راهکار ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی، راهکار دیگری جهت سامان‌دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری براساس ایده فروشگاه الکترونیکی اعتباری و قرارداد فروش نسبه‌مراجعه‌ای پیشنهاد می‌شود.

طراحی کارت اعتباری براساس راهکار پیشنهادی

بانک مرکزی

مفاد فقهی و حقوقی دستورالعمل بانک مرکزی

ماده‌های دو تا پنج دستورالعمل کارت‌های اعتباری ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی ماهیت قرارداد و بُعدهای حقوقی و اقتصادی معامله با آن کارت را نشان می‌دهد. با رعایت

اختصار قسمت‌های مهم این مواد را نقل می‌کنیم:

ماده ۲: موسسات اعتباری صادرکننده در چارچوب قراردادهای تنظیمی با مشتریانی که برای آنها کارت خرید اعتباری صادر می‌کنند، پرداخت وجه صورت حساب‌های آنها را به پذیرندگان کارت، یا بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی آنها،^{*} تعهد و تضمین می‌کنند؛

ماده ۳: در صورتی که در اثر پرداخت صورت حساب‌های خرید کالا و خدمت، حساب دارنده کارت نزد موسسه اعتباری صادر کننده کارت بدهکار شود، دارنده کارت مکلف است نسبت به تسویه مبلغ بدهی حساب خود ظرف مدت معین (حداکثر تا پایان مهلت پرداخت صورتحساب) اقدام کند. در غیر این صورت مشمول پرداخت وجه التزام به نسبت مدت و مبلغ به صورتی که در قرارداد پیش‌بینی شده است، خواهد شد؛

تبصره ۱: تعیین وجه التزام با توافق طرفین بوده، دست‌کم نسبت وجه التزام ۲۰ و حداکثر آن ۳۰ درصد در سال است؛

تبصره ۲: نحوه تعیین وجه التزام باید صراحتاً در قرارداد منعقد شده بین موسسه اعتباری صادر کننده و دارنده کارت ذکر شود؛

ماده ۴: کارت خرید اعتباری صرفاً در پایانه‌های فروش (اعم از فیزیکی و مجازی) و جهت پرداخت وجه کالا یا خدمت خریداری شده قابل استفاده بوده و تحت هیچ عنوان نباید برای دریافت وجه نقد استفاده شود؛

ماده ۵: مؤسسه اعتباری صادرکننده مطابق با عقد قرض الحسنه می‌تواند حداکثر تا سقف مانده اعتبار فردی هر شخص از محل منابع خود نسبت به تامین مالی لازم برای کارت‌های خرید اعتباری استفاده کند.

مطابق این مواد، قرارداد محوری در صدور کارت‌های اعتباری، عقد قرض الحسنه است. به این بیان که بانک صادر کننده کارت اعتباری به دارند کارت تسهیلاتی تحت عنوان قرض الحسنه جهت خرید کالا و خدمت می‌پردازد، دارند کارت متعهد است در مهلت مقرر مبلغ قرض گرفته شده را به بانک ناشر کارت بازپرداخت کند و در غیر این صورت

*. با توجه به راه‌اندازی مرکز شتاب و پدیدآوردن نظام پرداخت کارتی بین بانکی، در تراکنش‌های بین بانکی، بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری صادر کننده و پذیرنده همیشه یکسان نیستند، ممکن است بانک طرف قرارداد دارنده کارت با بانک طرف قرارداد مرکز تجاری پذیرنده کارت متفاوت باشد، در این صورت نیاز به دو تا بانک یا مؤسسه اعتباری هست، که از اولی به عنوان ناشر و از دومی به عنوان پذیرنده یاد می‌شود.

مشمول پرداخت وجه التزام به نسبت مدت و مبلغ به صورتی که در قرارداد پیش‌بینی شده است، خواهد شد.

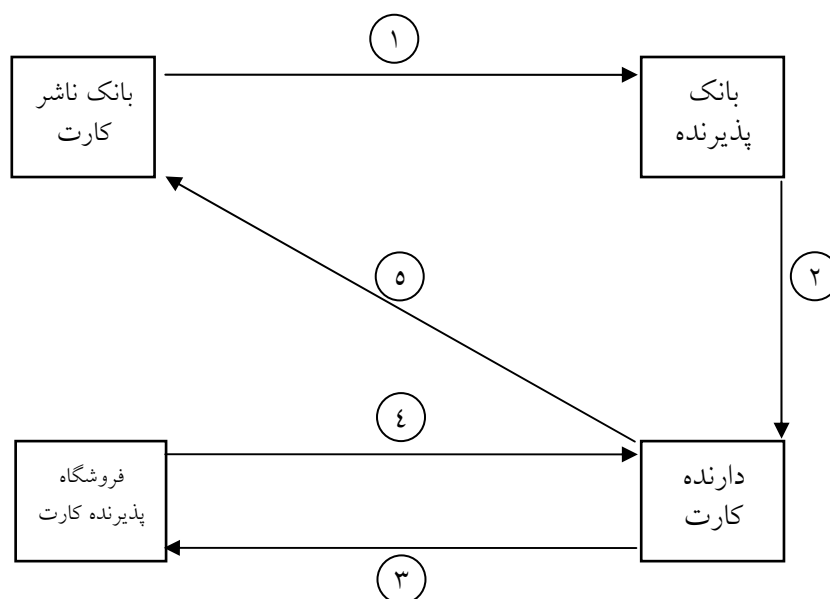
مدل عملیاتی کارت اعتباری براساس قرارداد قرض الحسنه

همان‌طور که گذشت در راهکار پیشنهادی بانک مرکزی قرارداد محوری، عقد قرض الحسنه است و چهار عنصر؛ بانک یا موسسه اعتباری ناشر کارت، بانک یا موسسه اعتباری پذیرنده کارت، دارنده کارت و فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت در معامله‌های کارت اعتباری حضور دارند.

بانک ناشر بعد از اعتبار سنجی مشتری متناسب با اعتبار وی کارت اعتباری در اختیار وی می‌گذارد و طبق قرارداد، متعهد می‌شود تا سقف اعتبار، منابع لازم برای خرید کالاها و خدمات وی را به صورت قرض الحسنه در اختیار وی بگذارد، زمانی که دارنده کارت به خرید کالا یا خدمت اقدام کرد، کارت را در دستگاه پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، بانک ناشر بعد از شناسایی و تایید اعتبار، از راه بانک پذیرنده، اعتبار درخواستی دارنده کارت را به صورت قرض الحسنه در اختیار وی می‌گذارد، دارنده کارت با استفاده از آن اعتبار بدهی خود را می‌پردازد و کالا یا خدمت خریداری شده را تحویل می‌گیرد، بعد از آن، دارنده کارت بدهکار بانک ناشر خواهد بود و چند گزینه برای پرداخت بدهی دارد:

۱. پرداخت در مهلت تنفس: در این صورت فقط قیمت خرید کالا را می‌پردازد؛
۲. پرداخت بعد از مهلت تنفس: در این صورت افزون بر قیمت کالا باید مبلغی به عنوان وجه التزام نیز بپردازد.

نمودار ذیل مدل استفاده از کارت اعتباری براساس قرض الحسنه را نشان می‌دهد.



رابطه‌های حقوقی مدل عملیاتی

۱. زمانی که دارنده کارت کالای مورد نظر خود را انتخاب کرد کارت را در پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، پایانه فروش، اطلاعات مورد نیاز را از راه بانک پذیرنده کارت به بانک یا مؤسسه اعتباری ناشر کارت می‌رساند، ناشر کارت بعد از تایید هویت و اعتبار دارنده کارت منابع لازم برای خرید را در اختیار بانک پذیرنده قرار می‌دهد؛
۲. بانک پذیرنده در جایگاه کارگزار بانک ناشر، اعتبار را در اختیار دارنده کارت می‌گذارد؛
۳. دارنده کارت به وسیله اعتبار پیش‌گفته، قیمت کالاها و خدمات خریداری شده را می‌پردازد؛
۴. فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت، کالاها و خدمات خریداری شده را تحویل می‌دهد؛
۵. دارنده کارت مطابق قرارداد، یا در مهلت تنفس بدهی خود به ناشر را می‌پردازد یا بعد از آن افزون بر اصل مبلغ بدهی وجه التزام نیز می‌پردازد.

اشکال‌های کارت اعتباری براساس قرارداد قرض الحسنه

طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد قرض الحسنه گرچه به جهت سادگی قرارداد و سادگی مدل عملیاتی قابل فهم برای همه بوده و می‌تواند برای شروع مناسب باشد اما اشکالات اساسی داشته و در بلندمدت مانع جدی برای گسترش این کارت‌ها خواهد بود، برخی از اشکال‌ها به شرح ذیل است:

۱. محدودیت منابع قرض الحسنه

مطالعه آمارهای منتشره از سوی نظام بانکی نشان می‌دهد که سهم سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز نسبت به کل منابع نظام بانکی در بانک‌های دولتی در حدود ۵ تا ۱۰ درصد و در بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی اعتباری زیر ۵ درصد است (امیدی‌نژاد، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه بخشی از این منابع به صورت سپرده قانونی در بانک مرکزی بلوکه می‌شود و بخشی دیگر به دیگر تسهیلات قرض الحسنه اختصاص می‌یابد به صورت طبیعی سهم خیلی کمی از منابع برای اعطای تسهیلات قرض الحسنه از راه کارت‌های اعتباری اختصاص می‌یابد و این نسبت در بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی اعتباری خیلی کمتر خواهد بود و این در حالی است که بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی اعتباری بیشترین انگیزه را برای گسترش کارت‌های اعتباری داشتند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود این بانک‌ها و مؤسسه‌ها نتوانند از این شیوه استفاده کنند.

۱۲۳

۲. عدم قابلیت تقسیط

در بانکداری متعارف خیلی از دارندگان کارت اعتباری، پس از خرید کالاها و خدمات، به بانک مراجعه کرده تقاضای تقسیط بدهی ناشی از خرید به وسیله کارت اعتباری را می‌کنند و بانک با افزودن مبلغی روی اصل بدهی آن را قسط‌بندی می‌کند، رابطه حقوقی که در دستورالعمل اجرایی بانک مرکزی آمده است قابلیت برای تقسیط ندارد. چون بعد از پرداخت بهای کالاها و خدمات به وسیله کارت، آن مبلغ به صورت بدهی دارنده کارت به بانک ناشر منظور می‌شود و هر نوع افزایشی روی آن از مصداق‌های ربا خواهد بود. نتیجه این می‌شود که بانک‌ها سقف اعتبار کارت‌ها را حداکثر در حد متوسط حقوق کارکنان دولت یعنی در حد چندصد هزار تومان قرار دهند و این قابلیت کارت‌های اعتباری را کاهش می‌دهد.

۳. گسترش باب جریمه تأخیر

گرچه شورای نگهبان و برخی از فقیهان با گرفتن جریمه تأخیر موافق هستند اما همچنان برخی از مراجع با اصل آن، برخی با شیوه اجرایی آن مخالفند بنابراین، باید

قراردادهای بانکی به گونه‌ای تنظیم شود که در مورد‌های کمتری با جریمه تأخیر روبه‌رو شود. این در حالی است که در دستورالعمل پیشنهادی بانک مرکزی، خیلی از موارد استفاده از کارت به جریمه تأخیر منتهی خواهد شد، چون در دستورالعمل اجرایی امکان تقسیط نیست در نتیجه خیلی از استفاده‌کنندگان با تأخیر و جریمه روبه‌رو خواهند شد و این به تدریج ذهنیت دریافت ربا به اسم جریمه را تقویت خواهد کرد.

۴. عدم قابلیت برای گسترش کمی و کیفی

گرچه کارت‌های اعتباری در شروع کار برای خریدهای جزئی و روزمره طراحی شده بودند اما به تدریج جایگاه مهمی پیدا کردند و امروزه دارندگان کارت برای خریدهای بزرگ هم از آن استفاده می‌کنند و به همین منظور بانک‌ها به طراحی انواعی از کارت‌های اعتباری با سقف‌های اعتباری متفاوت اقدام می‌کنند. به گونه‌ای که کارت‌های اعتباری طلایی معادل چندین ماه حقوق دریافتی دارندۀ کارت اعتبار دارد و دارندۀ کارت می‌تواند بعد از خرید، به اقساط بدهی خود را پردازد. عدم قابلیت تقسیط در دستورالعمل پیشنهادی بانک مرکزی باعث می‌شود بانک‌های عامل به ناچار سقف کارت‌های اعتباری را خیلی محدود و در حد حقوق یک ماه دارندگان کارت تعریف کنند و این مانع از گسترش کمی و کیفی کارت‌های اعتباری می‌شود.

به نظر می‌رسد با توجه به کاستی‌های پیش‌گفته لازم است در قرارداد حقوقی مورد استفاده در کارت‌های اعتباری (قرض الحسنه) تجدید نظر شود و از رابطه حقوقی دیگری که مشکل‌های پیشین را ندارد استفاده شود.

طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد مباحه

به نظر می‌رسد بهترین گزینه برای معامله‌های کارت‌های اعتباری استفاده از قرارداد انتفاعی بیع نسبه مباحه است. قرارداد مباحه افزون بر آنکه هیچ‌یک از محدودیت‌های قرارداد قرض الحسنه را ندارد، به جهت انتفاعی بودن قرارداد، قابلیت‌های فراوان و انعطاف لازم برای طراحی مالی را دارد.

تبیین فقهی قرارداد مرابحه

یکی از انواع قرارداد بیع، بیع مرابحه است که از زمان‌های قدیم بین مردم رایج بوده است و مقصود از آن بیعی است که فروشنده قیمت تمام‌شده کالا اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و سایر هزینه‌های مربوطه را به اطلاع مشتری می‌رساند سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند (نجفی، ۱۹۸۱: ۲۳، ۳۰۳). به‌طور مثال، اعلان می‌کند این کالا را به هزار تومان خریده است و حاضر است به هزار و صد تومان یا با ده درصد سود به مشتری بفروشد، در بیع مرابحه چنانچه با بیع در بیان قیمت خرید یا هزینه‌های مربوطه دروغ بگوید مشتری خیار فسخ پیدا می‌کند (همان: ۳۱۷)، بیع مرابحه می‌تواند به صورت نقد یا نسیه دفعی یا اقساطی منعقد شود و در صورتی که نسیه باشد به‌طور معمول نرخ سود آن بیشتر است. شایان ذکر است قرارداد بیع مرابحه اقساطی در قانون عملیات بانکی بدون به صورت فروش اقساطی آمده و بانک‌ها به صورت گسترده از آن استفاده می‌کنند.

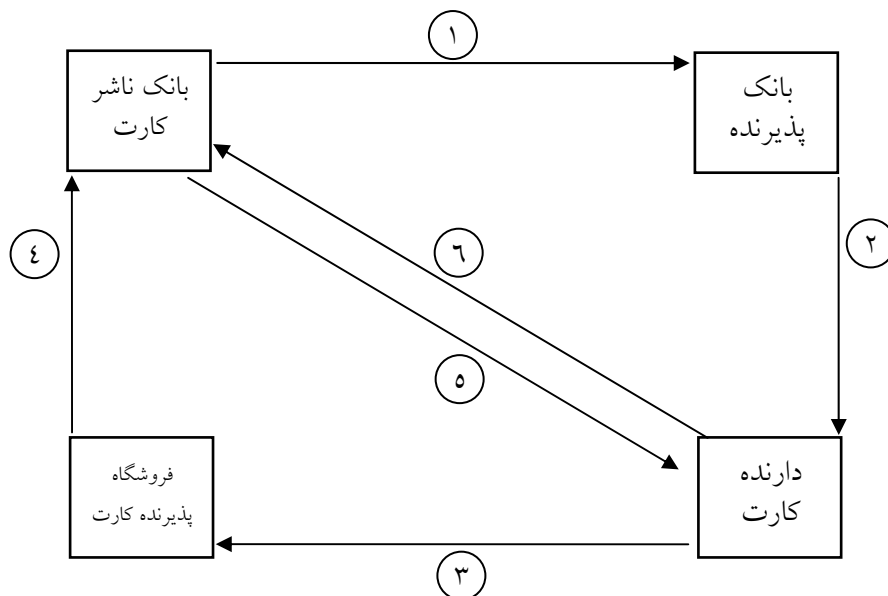
مدل عملیاتی کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه

در این راهکار قرارداد محوری، قرارداد بیع مرابحه است و مانند راهکار پیشین چهار عنصر؛ بانک یا مؤسسه اعتباری ناشر کارت، بانک یا مؤسسه اعتباری پذیرنده کارت، دارنده کارت و فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت در معامله‌های کارت اعتباری حضور دارند. بانک ناشر بعد از اعتبارسنجی مشتری متناسب با اعتبار وی کارت اعتباری در اختیار وی می‌گذارد و طبق قرارداد، دارنده کارت را وکیل در خرید به وسیله کارت برای بانک می‌کند و متعهد می‌شود تا سقف اعتبار، منابع لازم برای خرید کالاها و خدمات مورد نیاز دارنده کارت را تامین کند، زمانی که دارنده کارت در جایگاه وکیل بانک به خرید کالا اقدام کرد، کارت را در دستگاه پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، بانک ناشر بعد از شناسایی و تایید اعتبار، از راه بانک پذیرنده، قیمت کالاها و خدمات را به فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت می‌پردازد، سپس بانک ناشر در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری، کالاها و خدمات خریداری شده را به دارنده کارت به صورت بیع نسیه مرابحه‌ای برای مدت‌زمان معین و با نرخ سود معین می‌فروشد، به‌طور مثال، کالاها و خدمات

خریداری شده را با احتساب نرخ سود ۱۰ درصد به سررسید شش ماه به دارنده کارت می‌فروشد، دارنده کارت کالاها و خدمات خریداری شده را تحویل می‌گیرد، بعد از آن، دارنده کارت بدهکار بانک ناشر خواهد بود و چند گزینه برای پرداخت بدهی (قیمت نسبی کالاها و خدمات) دارد:

۱. **پرداخت در مهلت تنفس:** در این صورت مابه‌التفاوت قیمت نقد و نسبی تخفیف داده می‌شود و دارنده کارت فقط قیمت نقد کالاها و خدمات را می‌پردازد؛
۲. **پرداخت به صورت اقساطی:** دارنده کارت می‌تواند کل یا بخشی از قیمت کالاها و خدمات خریداری شده را به صورت اقساط تا سررسید مقرر بپردازد، در این صورت بخشی از مابه‌التفاوت قیمت نقد و نسبی تخفیف داده می‌شود؛
۳. **پرداخت دفعتی دوسررسید:** در این صورت دارنده کارت قیمت نسبی کالاها و خدمات را می‌پردازد؛
۴. **پرداخت بعد از سررسید:** در این صورت افزون بر قیمت نسبی کالاها و خدمات باید مبلغی به صورت وجه التزام نیز بپردازد.

نمودار ذیل مدل عملیاتی استفاده از کارت اعتباری براساس ایده فروشگاه الکترونیکی اعتباری و بیع مرابحه را نشان می‌دهد.



رابطه‌های حقوقی مدل عملیاتی

۱. زمانی که دارنده کارت کالای مورد نظر خود را انتخاب کرد کارت را در پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، پایانه فروش، اطلاعات مورد نیاز را از راه بانک پذیرنده کارت به بانک یا موسسه اعتباری ناشر کارت می‌رساند، ناشر کارت بعد تایید هویت و اعتبار دارنده کارت منابع لازم برای خرید را در اختیار بانک پذیرنده قرار می‌دهد؛
۲. بانک پذیرنده در جایگاه کارگزار بانک ناشر، اعتبار را در اختیار دارنده کارت که وکیل بانک ناشر در کار خرید است می‌گذارد؛
۳. دارنده کارت به وسیله اعتبار پیش‌گفته، در جایگاه وکیل بانک ناشر، کالاها و خدمات را خریداری و قیمت آنها را می‌پردازد؛
۴. فروشگاه پذیرنده کارت، کالاها و خدمات خریداری شده را به تملیک بانک ناشر کارت در می‌آورد و تحویل وکیل بانک می‌دهد؛
۵. بانک ناشر در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری، طبق قراردادی که با دارنده کارت دارد، کالاها و خدمات خریداری شده را با احتساب سود نسبی به تملیک دارنده کارت در می‌آورد؛
۶. دارنده کارت مطابق قرارداد می‌تواند در مهلت تنفس، یا بعد از مهلت تنفس تا سررسید مقرر، به صورت دفعی یا اقساطی بدهی خود را به بانک ناشر بپردازد یا بعد سررسید مقرر می‌پردازد که در این صورت مشمول وجه‌التزام خواهد شد.

مبانی فقهی و حقوقی کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه

همان‌طور که گذشت در سامان‌دهی معامله‌های کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه، از ترکیب چند قرارداد استفاده می‌شود و صحت شرعی معامله باکارت اعتباری به صحت همه آنها منوط است. بعد از تعیین سقف اعتبار و صدور کارت به‌وسیله بانک، چندین معامله انجام می‌گیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. وکالت در خرید؛ به سبب قرارداد بین بانک ناشر کارت و متقاضی کارت اعتباری، دارنده کارت وکیل بانک برای خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود می‌شود؛

۲. خرید وکالتی؛ دارنده کارت در جایگاه وکیل بانک، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را به صورت بیع نقد از فروشگاه‌ها و مراکز خدمات پذیرنده کارت برای بانک خریداری می‌کند؛

۳. فروش مرابحه‌ای نسیه؛ بانک ناشر کارت با پرداخت قیمت، کالاها و خدمات خریداری شده را تملک کرده، سپس در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری آنها را با احتساب سود بانکی به صورت بیع مرابحه نسیه به دارنده کارت می‌فروشد؛

۴. تخفیف در بدهی؛ اگر دارنده کارت بخواهد بدهی حاصل از خرید نسیه را به صورت دفعی در فرصت تنفس، یا به صورت تدریجی تا سررسید پردازد، بانک نسبت به مبلغ بدهی تخفیف می‌دهد (کل یا بخشی از سود نسیه را کم می‌کند)؛

۵. جریمه تاخیر؛ چنانچه دارنده کارت بدهی خود را تا سررسید پرداخت نکند متناسب با مبلغ و مدت بدهی مشمول جریمه تاخیر و وجه التزام خواهد شد.

در تحقق رابطه‌های فقهی و حقوقی پیش‌گفته مواردی محل تامل فقهی و حقوقی است، و نیاز به بررسی دارد.

قصد خرید وکالتی

به سبب قرارداد صدور کارت اعتباری، دارنده کارت وکیل بانک در خرید کالاها و خدمات می‌شود بنابراین برای صحت خریدها باید قصد خرید وکالتی کند در حالی که در موردهای فراوانی دارنده کارت غافل از خرید وکالتی است و به نیت خودش خرید می‌کند، همان‌طور که در موردهایی دارنده کارت، کارت را به دیگران (مانند همسر و فرزند) وامی‌گذارد و آنان اطلاعی از قرارداد وکالت ندارند.

در حل این مشکل می‌توان گفت: اولاً؛ در تحقق قصد خرید وکالتی توجه ارتکازی کفایت می‌کند به این معنا که اگر توجه کند بفهمد که چه کاری انجام می‌دهد و در خرید با کارت اعتباری چنین ارتکازی وجود دارد، چون دارنده کارت می‌داند خودش پولی ندارد و با پول بانک خریداری می‌کند. در مواردی هم که کارت را در اختیار دیگری می‌گذارد، دیگران وسیله و ابزار وی برای خرید وکالتی هستند یا با واگذاری، دیگران را وکیل و جانشین خود در انجام معامله وکالتی می‌کند. ثانیاً؛ بر فرض که به جهت نبود قصد وکالت

در خرید، خرید وکالتی باطل باشد، معامله تبدیل به بیع فضولی نقد و نسیه‌ای خواهد شد که پیشاپیش طرفین قرارداد رضایت خودشان را اعلام کرده‌اند. به این بیان که هم بانک ناشر کارت حین انعقاد قرارداد با فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی پذیرنده کارت رضایت خود را مبنی بر خرید به وسیله دارند کارت اعلام کرده و دارند کارت هم رضایت خود مبنی بر خرید نسیه از بانک اعلام کرده است، بنابراین اگر معامله با این نوع کارت‌ها به اصطلاح فقهی از نوع بیع وکیل یا ماذون نباشد از نوع بیع فضولی همراه با رضایت مالک خواهد بود که به اعتقاد همه فقیهان صحیح است.

خرید خدمات

مطابق طرح پیشنهادی، دارنده کارت می‌تواند به وسیله کارت از خدمات مراکز خدماتی چون هتل‌ها، بیمارستان‌ها، شرکت‌های هواپیمایی، راه‌آهن، اتوبوسرانی، جهانگردی، شرکت‌های تعمیر مسکن، خودرو و ... استفاده کند که در آنها شرکت پیش‌گفته کالایی را نمی‌فروشد و به اصطلاح فقیهان و حقوقدانان عینی را تحویل نمی‌دهد؛ بلکه موضوع قرارداد خدمت آن مرکز خدماتی است و از این جهت صدق بیع محل تردید است؛ در نتیجه نمی‌توان گفت که دارنده کارت، خدمت را به وکالت از طرف بانک به صورت نقدی می‌خرد؛ سپس بانک به وی می‌فروشد؛ چون عینی در کار نیست تا خرید و فروش شود.

در حل مسئله باید گفت: موضوع فروش خدماتی که میان عرف به صورت بیع مطرح است، از دیدگاه فقیهان شیعه محل اختلاف است. برخی از فقیهان چون شیخ انصاری، صاحب جواهر و آیت‌الله خوئی صدق بیع بر چنین معامله‌هایی را انکار، و تکلم عرف را بر تسامح حمل می‌کنند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۳: ۱، ۲۱). برخی دیگر از فقیهان چون امام خمینی و آیت‌الله مکارم‌شیرازی اشتراط عین بودن بیع را لازم ندانسته، بر این باورند که می‌توان منافع و خدمات را در قالب قرارداد بیع منعقد کرد (همان؛ موسوی‌خمینی، ۱۴۱۵: ۱، ۱۵). این گروه از فقیهان افزون بر صدق عرفی بیع بر فروش خدمات و منافع به روایت‌های نیز استدلال می‌کنند؛ مانند روایت اسحاق بن عمار که نقل می‌کند:

«از امام علیه السلام درباره فردی که خانه‌ای را در اختیار دارد و می‌فروشد در حالی که خانه مال وی نیست، پرسیدم. امام فرمود: نمی‌پسندم خانه‌ای را که مال وی نیست بفروشد. گفتم:

سکونت در خانه، و موقعیتش در آن خانه را می‌فروشد، و می‌گوید: سکونت خانه را به تو می‌فروشم. خانه آن گونه که دست من بود، دست تو باشد. امام فرمود: بلی به این صورت می‌تواند بفروشد» (حرّ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۷، ۳۳۵).

برای حل مشکل و رسیدن به وفاق فقهی می‌توان از عقد صلح یا جعاله نیز استفاده کرد به این معنا که مراکز خدماتی براساس عقد صلح یا جعاله خدمات پیش‌گفته را به صورت نقد به وکیل بانک واگذارند؛ سپس بانک آن خدمات را براساس عقد صلح یا جعاله نسیه و با قیمتی بالاتر به دارنده کارت تملیک کند و وی از آن خدمات استفاده کند. به اعتقاد فقیهان بزرگوار شیعه، قرارداد صلح قراردادی لازم است و موضوع آن اعم از اعیان، منافع و حقوق است و شامل خدماتی که ذکر شد می‌شود و چه بسا اگر به حقیقت معامله‌های این نوع مراکز توجه کنیم، از انواع تملیک و تملک‌ها تشکیل شده است که نه با خصوص بیع و نه با خصوص اجاره می‌سازد؛ بلکه مخلوطی از انواع عقدها در معامله واحد است که فقط با قراردادی چون صلح می‌توان انشا کرد؛ به طور مثال، در هتل‌ها انواع خدمات مسکن، خدمات انسانی، تملیک غذا، عاریه وسایل اتاق و ... در قالب یک معامله صورت می‌گیرد؛ پس می‌توان مسئله خرید و فروش خدمات مراکز خدماتی را در قالب قرارداد صلح انشا، و برای پرداخت وجه از کارت اعتباری به تفصیلی که گذشت، استفاده کرد.

تخفیف در بدهی

مطابق طرح، دارنده کارت کالا را به صورت نقد برای بانک خریداری می‌کند سپس بانک در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری با افزودن مبلغی به قیمت بالاتر به صورت نسیه به دارنده کارت می‌فروشد و وی متعهد می‌شود در سررسید مقرر قیمت نسیه کالا را به بانک بپردازد حال اگر دارنده کارت بخواهد بدهی خود را به صورت دفعی در فرصت تنفس یا به صورت تدریجی تا سررسید بپردازد، بانک نسبت به مبلغ بدهی تخفیف می‌دهد (کل یا بخشی از سود بانکی را کم می‌کند). آیا چنین تخفیفی از دید فقه اسلامی جایز است؟

در پاسخ به این پرسش می‌گوییم؛ در معامله‌های مدت دار مانند بیع نسیه، سلف، اجاره، قرض و ... که مدیون متعهد است بدهی خود را طبق زمان‌بندی معین بپردازد، گاهی مدیون علاقه دارد در برابر کم کردن بخشی از بدهی، دین خود را زودتر از موعد مقرر بپردازد؛

چنانکه گاهی طلبکار دوست دارد در برابر دریافت زودتر از سررسید از بخشی از بدهی صرف نظر کند. این موضوع از زمان امامان علیهم‌السلام محل بحث بوده و در روایت‌های پرسش شده است؛ به‌طور نمونه به دو مورد اشاره می‌شود. محمد بن مسلم در روایت صحیحی از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند:

«از امام باقر علیه‌السلام درباره شخصی پرسش شد که دین مدت‌داری بر عهده دارد. طلبکار نزد وی می‌آید و می‌گوید: فلان مقدار بدهی‌ات را نقد پرداز تا از بقیه‌اش صرف نظر کنم. یا می‌گوید مقداری را نقد پرداز تا نسبت به باقی آن مهلت را اضافه کنم. امام علیه‌السلام فرمود: مادامی که به اصل بدهی (سرمایه) چیزی اضافه نکند، اشکالی ندارد. خداوند می‌فرماید: «برای شما است سرمایه‌هایتان، نه ستم کنید و نه بر شما ستم شود» (بروجردی، ۱۴۱۰: ۱۸، ۳۳۷).

شبهه همین حدیث را حلبی به سند صحیح از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل می‌کند (همان).

در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

«از ایشان پرسش شد: مردی از کسی طلب دارد و پیش از فرا رسیدن موعد به وی می‌گوید: نیمی از بدهی را زودتر بده تا نصف دیگر را واگذارم. آیا این عمل برای هر یک از آن دو جایز است؟ آن حضرت فرمود: بلی» (همان).

همین مضمون در روایت‌های دیگری نیز نقل شده است (حرّ عاملی، ۱۹۸۳: ۱۲، ب ۴، ح ۱ و ۲). فقیهان شیعه به استناد روایت‌های پیش گفته با اصل کاهش مبلغ بدهی در برابر پرداخت زودتر از سررسید موافق هستند و در تصویر فقهی آن راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند (موسوی خمینی، ۱۴۰۱: ۱، ۵۳۵) برخی از آنها عبارتند از:

۱. صلح، به این بیان که طلبکار و بدهکار بر کاهش بخشی از بدهی در برابر تعجیل در پرداخت مصالحه می‌کنند؛

۲. ابراء، به این بیان که طلبکار در برابر دریافت زودتر از سررسید، بخشی از بدهی را ابرا (صرف نظر) می‌کند؛

۳. هبه، به این بیان که طلبکار در برابر دریافت زودتر از سررسید، بخشی از بدهی را هبه می‌کند؛

۴. خرید دین، به این بیان که بدهکار بدهی مدت‌دار خود را در برابر مبلغی کمتر از بدهی خرید می‌کند.

از آنجا که در روایت‌های روی رابطه خاصی تأکید نشده و اصل عمل مجاز شمرده شده

است، طرفین می‌توانند براساس هر یک از راهکارهای پیش گفته رفتار کنند.

بررسی فقهی جریمه تاخیر (وجه التزام)

شکی نیست هر نوع افزایش مبلغ بدهی در برابر تمديد مدت، ربا و حرام است و این نوع ربا از مصداق‌های مسلم ربای جاهلی بود که قرآن در صدد تحریم آن برآمد. امام خمینی ره در این باره می‌نویسد:

«در عدم جواز، اعطای مدت برای ثمن حال - بلکه هر بدهی - در برابر زیادکردن آن، هیچ تردیدی نیست و علت آن افزون بر صدق عرفی ربا، روایت‌های است که در شأن نزول آیه «أحلَّ اللهُ البیع و حرَّم الربا» رسیده و طبق آن روایت‌ها، آیه درباره زیادی مال در مقابل تأخیر در دین حال نازل شده است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۵، ۵۲۷ - ۵۲۹ با تلخیص).

بحثی که اینجا وجود دارد این است که آیا طلبکار در قرارداد قرض یا غیر آن می‌تواند برای الزام بدهکار به پرداخت به موقع بدهی شرط جریمه تأخیر در پرداخت، کند؟ به عبارت دیگر، همان‌طور که برای التزام وی به پرداخت در سررسید می‌تواند شرط رهن، ضمانت و کفالت کند و با وی قرار بگذارد که اگر به موقع پرداخت نکند از راه فروش رهن، الزام ضامن یا کفیل، طلب خود را وصول خواهد کرد، آیا می‌تواند شرط جریمه بگذارد و او را تهدید کند به اینکه اگر در سررسید مقرر به پرداخت اقدام نکند فلان مبلغ جریمه خواهد گرفت؟

مشهور فقیهان از جمله امام خمینی ره بدون تفصیل بین صورت‌های گوناگون مسئله، گرفتن هر نوع زیاده هر چند به عنوان جریمه دیر کرد را از مصداق‌های ربا می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۲، ۱۲۸). در برابر برخی از فقیهان، تفصیل‌های داده‌اند. آیت‌الله گلپایگانی ره در پاسخ به پرسشی درباره جریمه‌های بانکی می‌نویسد:

«اگر مدیون به صورت شرعی در ضمن عقد خارج لازم، ملتزم شده باشد که اگر از موعد مقرر تأخیر انداخت مبلغ معینی مجاناً بدهد اشکالی ندارد» (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۲، ۹۱).

آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در پاسخ از پرسشی می‌نویسد:

«پرسش: در قرارداد قرض یا غیر آن شرط می‌شود که «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد در سررسید مقرر، افزون بر اصل بدهی، مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال به ذمه متعهد این قرارداد تعلق خواهد گرفت» آیا شرط پیش‌گفته با مشکل ربا و غیر آن روبه‌رو است یا خیر؟ و آیا میان قرض و غیر آن همچون بیع نسیه یا سلف در این باره فرق هست یا نه؟

پاسخ: «اگر مفهوم شرط پیش‌گفته، مجاز بودن مدیون در تأخیر ادای دین در برابر ۱۲ درصد باشد، ربا و حرام است و اگر مقصود الزام مدیون بر ادای دین رأس مدت مقرر باشد که وجه التزام در برابر عدم ادا باشد ظاهراً اشکال ندارد و الله العالم» (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

آیت‌الله رضوانی از فقیهان شورای نگهبان نیز در توجیه مصوبه شورا مبنی بر جواز گرفتن جریمه تأخیر در بانک‌ها می‌گوید:

«جریمه تأخیر ربا نیست، بلکه بانک می‌گوید: سر ماه باید قسط خود را بپردازی، اگر نیاوردی، در همان موقع باید فلان مبلغ را به عنوان جریمه بپردازی، نه اینکه جریمه را می‌دهی تا مبلغ [= قسط] یک ماه دیگر پیش تو بماند، بنابراین تأخیر تأدیه، ربا نیست. حال که ربا نیست، اگر در ضمن عقد یا قرض شرط شده باشد، حکم «المؤمنون عند شروطهم» دارد و اشکال پدید نمی‌آید» (رضوانی، ۱۳۷۲: ۳۳ و ۳۴).

بررسی حقوقی جریمه تأخیر (وجه التزام)

یکی از راه‌های کنترل بازپرداخت بدهی افراد به بانک‌ها در نظام‌های ربوی، تمدید مدت بدهی با نرخ بهره جدید یا گرفتن درصدی به صورت بهره دیرکرد است. چنانچه شخص بدهی خود را در سررسید، نپردازد، بانک ربوی درصدی را به صورت بهره دیرکرد دریافت می‌کند. در ایران پیش از انقلاب، طبق آیین دادرسی مدنی (ماده ۷۱۹ - ۷۲۳) بهره تأخیر تأدیه ۱۲ درصدی برای یک سال در تمام امور مربوط به دیون وجود داشت. با پیروزی انقلاب و روند اسلامی شدن قانون‌های این مواد ابطال شد. سوءاستفاده برخی در بازپرداخت بدهی و بروز مشکل‌های اجرایی و مالی در بانک‌ها باعث شد شورای پول و اعتبار برای رفع مشکل، در پی قانونی کردن دریافت جریمه تأخیر و تأیید شرعی آن برآید؛ از این رو طرحی را تهیه کرد که در آن بدهکار به صورت شرط می‌پذیرفت، اگر بدهی را در سررسید نپردازد، جریمه را نیز بدهکار شود. شورای نگهبان نیز تصویب کرد که اگر وام‌گیرنده، به صورت شرط بپذیرد در صورت نپرداختن بدهی در سررسید، باید مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال را به بانک بپردازد، گرفتن آن مبلغ جایز است؛ (روزنامه جمهوری اسلامی: ۱۳۶۲/۹/۲۲). از این رو با قرارگرفتن این مطلب به صورت شرط ضمن عقد، مشکل‌های قراردادهای منعقد شده از سال تأیید این قانون (۱۳۶۲) به بعد حل شد.

تا سال ۶۹، میزان جریمه ۱۲ درصد بود؛ اما با توجه به افزایش نرخ سود بانکی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و عدم کارایی جریمه ۱۲ درصد، مدیریت نظارت بر بانک‌ها پس از مشورت با آیت‌الله رضوانی، عضو محترم فقیهان شورای نگهبان، میزان جریمه تأخیر را معادل نرخ سود تسهیلات در بخش مربوط به اضافه شش درصد تعیین کرد. در عین حال برخی از محاکم، در دعاوی بانک‌ها بر علیه مشتریان بدحساب، فقط به پرداخت اصل مبلغ حکم می‌کردند، و به هیچ‌وجه گرفتن جریمه تأخیر دیون را اجازه نمی‌دادند؛ حتی اگر شخص هنگام گرفتن تسهیلات، به صورت شرط پذیرفته بود که در صورت تأخیر، مبلغی را به صورت جریمه بپردازد؛ از این رو اداره نظارت بر بانک‌ها (بانک مرکزی) با ارائه لایحه‌ای که به تصویب مجلس (۷۶/۱۱/۹) و شورای نگهبان رسید، محاکم را موظف کرد اگر برابر قرارداد، مقرر شده باشد که اشخاص در سررسید معینی وجوه تسهیلات دریافتی را به انضمام سود و خسارت و هزینه‌های ثبتی و اجرایی، دادرسی و حق‌الوکاله بپردازند، در صورت عدم پرداخت می‌توانند این وجوه را مطالبه کنند.

مقایسه راهکار قرض‌الحسنه با راهکار مرابحه

چنانکه گذشت راهکارهای قرض‌الحسنه و مرابحه هر دو قابلیت برای طراحی کارت‌های اعتباری دارند اما در مقام اجرا وجه تشابه و تفاوت‌هایی با هم دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. **قابلیت خرید اعتباری؛** هر دو راهکار به دارنده کارت امکان می‌دهد تا با استفاده از منابع بانک به خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود بپردازد و بهای آن را بعداً بپردازد؛
۲. **قابلیت پرداخت در مهلت تنفس؛** هر دو راهکار به دارنده کارت امکان می‌دهد تا بهای کالاها و خدمات خریداری شده را در مهلت تنفس بپردازد و در این صورت فقط قیمت نقدی کالاها و خدمات پرداخت می‌شود؛
۳. **قابلیت پرداخت اقساطی؛** در راهکار قرض‌الحسنه امکان پرداخت بدهی به صورت اقساط وجود ندارد در حالی که در راهکار مرابحه دارنده کارت می‌تواند بدهی خود را به صورت اقساطی بپردازد؛

۴. قابلیت پرداخت **دفعی مدت‌دار**؛ در راهکار قرض‌الحسنه امکان پرداخت بدهی به صورت **دفعی مدت‌دار** وجود ندارد در حالی که در راهکار **مراجعه دارنده** کارت می‌تواند بدهی خود را به صورت **مدت‌دار** (به‌طور مثال بعد از شش ماه) بپردازد؛
۵. **طراحی برای سقف اعتباری بالاتر**؛ در راهکار قرض‌الحسنه، سقف اعتبار هر مشتری محدود به منابع و مصارف قرض‌الحسنه‌ای بانک است که با محدودیت جدی روبه‌رو است، در حالی که در راهکار **مراجعه بانک** از همه منابع مالکیتی و وکالتی می‌تواند استفاده کند در نتیجه بانک ناشر می‌تواند کارت‌های با سقف اعتباری بالاتر معادل چندین ماه درآمد مشتریان طراحی کند؛
۶. **انتظار استقبال بانک‌ها و مشتریان**، با توجه به غیرانتفاعی بودن راهکار قرض‌الحسنه و محدودیت منابع و مصارف قرض‌الحسنه‌ای بانک‌ها به نظر می‌رسد بانک‌ها و مشتریان از راهکار قرض‌الحسنه استقبال نکنند، برخلاف راهکار **مراجعه** که در عین داشتن همه مزایای راهکار قرض‌الحسنه به جهت انتفاعی بودن قرارداد و عدم محدودیت منابع و مصارف آن انتظار می‌رود مورد استقبال جدی بانک‌ها و مشتریان قرار گیرد؛
۷. **واقعی بودن جریمه تاخیر (وجه التزام)**؛ مطابق راهکار قرض‌الحسنه دارنده کارت موظف است کل بدهی خود را در مهلت تنفس بپردازد و گرنه مشمول جریمه تاخیر می‌شود، حال با توجه به اینکه بخش فراوانی از دارندگان کارت نمی‌توانند کل بدهی خود را در مهلت تنفس بپردازند این امر باعث می‌شود پرداخت جریمه شیوع پیدا کرده از حالت جریمه به حالت مجوز تاخیر تبدیل شود که در آن صورت به اعتقاد همه فقیهان حتی فقیهان شورای نگهبان ربا خواهد بود، در حالی که در راهکار **مراجعه دارنده** کارت افزون بر گزینه پرداخت در مهلت تنفس می‌تواند تا سررسید معین (به‌طور مثال شش ماه) به صورت اقساطی یا بعد از سررسید به صورت **دفعی بدهی** خود را تسویه کند بنابراین زمانی کار به جریمه منتهی می‌شود که دارنده کارت در عمل به همه گزینه‌ها تخلف کند و این سبب واقعی شدن جریمه تاخیر و وجه التزام می‌شود که از نظر فقهی منطبق با مبنای شورای نگهبان است.

جمع‌بندی و پیشنهادات

با توجه به ضرورت حرکت به سمت بانکداری الکترونیکی و استفاده از کارت‌های اعتباری به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌های راهکار قرض‌الحسنه، این راهکار در بلندمدت توان پاسخگویی به توسعه بانکداری الکترونیکی و کارت‌های اعتباری را ندارد، بر این اساس پیشنهاد می‌شود یکی از راهکارهای انتفاعی بانکداری بدون ربا به صورت قرارداد محوری انتخاب شود و از آن میان قرارداد فروش نسبه مرابحه‌ای مناسبترین است.

منابع و مأخذ

۱. امید نژاد، محمد، ۱۳۸۷ش، گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال ۱۳۸۶، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
۲. بروجردی، سیدحسین، ۱۴۱۰ق، جامع احادیث الشیعه، قم: حوزه علمیه قم.
۳. حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق، وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۴. رضوانی، غلام‌رضا، ۱۳۷۲ش، مصاحبه با حضرت آیت‌الله رضوانی پیرامون بانکداری اسلامی، تهران: بانک مرکزی ایران.
۵. شریفی، مهران، ۱۳۸۷ش، «دستورالعمل صدور و راهبری کارت‌های اعتباری»، ماهنامه بانکداری الکترونیکی، تهران: بی‌نا: ش ۶.
۶. گلپایگانی، سیدمحمد رضا، ۱۴۰۵ق، مجمع المسائل، قم: دارالقرآن الکریم.
۷. لکزی، علی‌رضا، ۱۳۸۷ش، «صدور کارت اعتباری»، ماهنامه بانکداری الکترونیکی، تهران: بی‌نا: ش ۵.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۳ق، انوارالفقاهه، کتاب‌البیع، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۶ش، استفتات جدید، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. _____، ۱۴۱۵ق، کتاب‌البیع، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. _____، بی‌تا، تحریرالوسیله، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱م، جواهرالکلام، ۲۳، تحقیق علی آخوندی، بیروت: داراحیاء التراث العربی هفتم.
۱۳. وحدتی‌شیرازی، سیدحسن، ۱۳۸۲ش، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تادیه در حقوق ایران»، فصلنامه تخصصی اقتصاد/اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۲.